

تأثیر هم‌گرایی جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل بر امنیت ملی ایران

پریسا شاه‌محمدی^۱

رضا خلیلی^۲

درجه مقاله: علمی - ترویجی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹

^۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی (نویسنده مسئول) nsirhmi20@gmail.com

^۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی Rezakhalili1@khu.ac.ir

چکیده

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، موجب حضور تدریجی رژیم اسرائیل در منطقه قفقاز، به‌ویژه جمهوری آذربایجان شده است. این کشور، با استقبال از برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم اسرائیل، آن را به‌عنوان دروازه ورود به غرب و ایالات متحده آمریکا قلمداد می‌نماید. این رژیم نیز تلاش دارد با نفوذ بیشتر در جمهوری آذربایجان، نگرانی‌های امنیتی خود را به جدار مرزهای ایران منتقل نموده و با استفاده از ایجاد پایگاه‌هایی در مرزهای ایران، آسیب‌پذیری این کشور را افزایش داده و به همان نسبت دغدغه‌های امنیتی خود را در قبال ایران کاهش دهد. در واقع، ماهیت روابط رژیم اسرائیل با جمهوری آذربایجان باید فراتر از دشمنی ایدئولوژیک و سیاسی با ایران و در جهت درک توازن قوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که هم‌گرایی جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟ در همین راستا اطلاعات و داده‌ها با بهره‌گیری از مقالات، اسناد و منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با توصیف و تحلیل آنها با روش تحلیل تاریخی و استنباط منطقی این نتیجه حاصل شده است که هم‌گرایی جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل سبب افزایش نفوذ و حضور تل‌آویو در محیط پیرامونی امنیتی ایران شده و تهدیدات مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی و ... را در قالب ترویج فرهنگ غربی، تفکرات ضداسلامی، ضدشیعی و سکولار، جلوگیری از مشارکت ایران در تحولات کشورهای خاورمیانه و عدم مشروعیت نفوذ ایران در منطقه خلیج فارس علیه این کشور ایجاد کرده است.

• واژگان کلیدی

هم‌گرایی، امنیت ملی، ایران، جمهوری آذربایجان، رژیم اسرائیل.

مقدمه

جمهوری آذربایجان کشوری نفت خیز با جمعیتی عمدتاً شیعه که در همسایگی ایران و روسیه قرار دارد و با ۷۶ کیلومتر مرز مشترک با ایران با استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی همسایه است. نقطه اصلی نگاه ایران به منطقه قفقاز همواره به جمهوری آذربایجان به دلیل جایگاه و ویژگی‌های خاص تاریخی، فرهنگی، قومی، امنیتی و سیاسی آن بوده است. نکته مهم این است که جمهوری آذربایجان امنیت خود را در خروج از چتر نفوذ روسیه و در محور پیوستن به ساختارهای یورو-آتلانتیکی (اروپایی-آمریکایی) و به‌ویژه ناتو و غرب جستجو می‌کند. این جمهوری بعد از جنگ سرد، به دلیل وجود منابع غنی انرژی در منطقه قفقاز و دریای خزر و کریدور انتقال این انرژی به کشورهای غربی، به عنوان منطقه‌ای حساس در رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی مورد توجه قرار گرفته است.

رژیم اسرائیل از سال‌ها پیش درصدد گسترش نفوذ خود در مناطق دیگر، به‌ویژه در کشورهای مسلمان‌نشین غیرعرب بوده و بدین طریق تصمیم دارد از فضای متخاصم و متشنج کشورهای منطقه خاورمیانه خارج شود. بعد از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای تحت نفوذ آن، این شرایط برای رژیم صهیونیستی فراهم شد تا بر مبنای تفکر ابتدایی دکترین بن‌گوریون، با نفوذ تدریجی در منطقه قفقاز، به‌ویژه جمهوری آذربایجان به دلیل داشتن ذخایر انرژی اثبات شده به میزان هفت میلیارد بشکه نفت و همسایگی با ایران، روابط گسترده‌ای را با این کشور برقرار کند. از طرفی ایران بارها به ابعاد رابطه سیاسی، امنیتی و اقتصادی جمهوری آذربایجان با این رژیم اعتراض داشته است. هر چند رژیم اسرائیل به منظور گسترش نفوذ در منطقه به‌دنبال دوستان جدیدی مانند جمهوری آذربایجان، گرجستان، ازبکستان و قزاقستان بوده است، اما از سال ۲۰۱۲ به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک کشور آذربایجان، روابط باکو و تل‌آویو گسترش بسیار چشم‌گیری داشته است و اوج این روابط اجازه استفاده از هشت پایگاه هوایی کشور آذربایجان به تل‌آویو بود که موجب اعتراض ایران گردید. همزمان خبر امضای قرارداد یک میلیارد و ششصد میلیون دلاری سیستم ماهواره‌ای و فروش پهباد پیشرفته به این کشور نیز اعلام شد. از طرف دیگر جمهوری آذربایجان نیز برای جلب نظر لابی‌های صهیونیستی در آمریکا و گسترش روابط با ایالات متحده و تامین نیازهای اقتصادی و تسلیحاتی در صدد گسترش روابط خود با رژیم اسرائیل است. در واقع باکو و تل‌آویو بر اثر نیازهای متقابل اقتصادی، سیاسی و امنیتی به ایجاد رابطه با یکدیگر پرداخته‌اند که تداوم روابط موجب وابستگی بیش از پیش میان آنها نیز شده است.

۱. بررسی ادبیات پژوهش

مساله نزدیکی جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل برای ایران بسیار حائز اهمیت است، اما آنچه اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند، نبود پژوهشی جامع و روشمند و فارغ از نگرش‌های ایدئولوژیک در این زمینه است. هر چند موضوع تعاملات و هم‌گرایی کشور آذربایجان و رژیم اسرائیل جدید و همواره در حال تغییر است و هیچ تحقیقی نمی‌تواند ادعای منسجم و جامع بودن در این زمینه داشته باشد اما بررسی پیشینه موضوع حاکی از آن است که این موضوع به صورت جدی مورد توجه نبوده و آثار محدودی در ارتباط با آن وجود دارد که با پژوهش حاضر از آن جهت که سعی کرده به صورت جامع و فارغ از نگرش ایدئولوژیک به هم‌گرایی روابط رژیم اسرائیل و آذربایجان و تأثیر این روابط بر امنیت ملی ایران بپردازد، بسیار متفاوت هستند. به‌عنوان مثال امید جعفرزاده و همکاران در پژوهشی با عنوان «تهدیدات رژیم اسرائیل و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آن» (۱۳۹۷)، بر راهبردهای نرم‌افزاری ایران جهت مقابله با رژیم صهیونیستی تأکید کرده و بهره‌گیری از ظرفیت مذهب تشیع و آموزه‌های اسلامی در کنار تشکیل جبهه مقاومت را به عنوان محورهای اساسی قدرت نرم ایران در مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی بیان کرده‌اند. محمدرضا ملکی در پژوهشی با عنوان «عامل منفی رژیم اسرائیل در روابط ایران و روسیه» (۱۳۷۸)، به نقش منفی رژیم اسرائیل به عنوان مانعی جدی در روابط ایران و روسیه اشاره کرده و بخشی از ترفندها و سیاست‌های این رژیم برای نفوذ بیشتر در منطقه جمهوری آذربایجان را بررسی و ارزیابی نموده است. سعادت قلی پورآذر نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نشان‌گاه‌های اطلاعاتی-امنیتی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و امنیت ملی ایران» (۱۳۹۳)، به بررسی دلایل گسترش مناسبات آذربایجان و رژیم صهیونیستی از یکسو و تبعات امنیتی آن برای ایران از سوی دیگر پرداخته و بر سه ابتکار مهم در این زمینه از سوی رژیم صهیونیستی یعنی ایجاد نهادها و سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی، اقدامات توسعه‌ای و فنی، قراردادهای همکاری‌های نظامی اشاره کرده است. ساوه درودی و همکاران در پژوهشی با عنوان «بررسی پیامدهای روابط سیاسی رژیم صهیونیستی با کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۳)، به بررسی اهداف و راهبردهای رژیم صهیونیستی از گسترش حضور خود در کردستان عراق و پیامدهای آن برای امنیت ملی ایران بر اساس دیدگاه بازدارندگی و اقدام‌های کنترلی در مقابل تهدیدات ایران و جبهه مقاومت پرداخته و معتقدند روابط سیاسی کشورهای نزدیک ایران با رژیم اسرائیل تأثیر به‌سزایی بر امنیت، سیاست و اقتصاد ایران خواهد گذاشت. بررسی این گونه آثار به‌عنوان ادبیات پژوهش نشانگر آن است که

پژوهش منسجم و جامعی در مورد تأثیر تعاملات و ارتباطات جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل بر امنیت ملی ایران منتشر نشده و این مقاله نسبت به آثار منتشر شده دارای جامعیت بیشتر و نوآوری است. نقطه مشترک همه کسانی که بر پیامدهای امنیتی حضور رژیم صهیونیستی در این منطقه برای ایران تأکید کرده‌اند این است که چون جمهوری آذربایجان در محیط امنیتی ایران قرار داشته و به لحاظ فرهنگی، قومی و مذهبی بسیار به ایران نزدیک است، بنابراین هر تحولی در این منطقه تأثیرات مستقیمی بر امنیت و منافع ملی ایران دارد. اما آن‌چه کمتر به آن پرداخته شده ماهیت تهدیدها و چگونگی اثرگذاری آنها بر امنیت ملی ایران است که در این مقاله تلاش می‌شود بر آن‌ها تمرکز کنیم. از نظر ما تهدیداتی که به واسطه نزدیکی و هم‌گرایی جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل برای ایران ایجاد می‌شود را می‌توان در دو سطح تبیین کرد: تهدیدهای مستقیم سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و تهدیدهای غیرمستقیم ناشی از برقراری روابط راهبردی رژیم اسرائیل با آذربایجان و کشورهای دیگر. با توجه به اهمیت این موضوع هدف اصلی این مقاله بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هم‌گرایی جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل بر امنیت ملی ایران است و در همین راستا به این سؤال پاسخ داده می‌شود که هم‌گرایی جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل چه تأثیری بر امنیت ملی ایران خواهد داشت؟ در راستای پاسخ به این سؤال، پس از تبیین مبانی نظری به بررسی پیشینه تاریخی روابط جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل می‌پردازیم، سپس علل هم‌گرایی آن‌ها را بررسی می‌کنیم و در نهایت پیامدهای امنیتی این روابط برای امنیت ملی ایران را در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲. مبانی نظری

به‌دنبال تحولات سیاسی، اجتماعی و فن‌آورانه، قاعده رفتار در عرصه جهانی از تعارض و مخاصمه به همکاری‌های فراملی تغییر کرده است. بر این اساس ایده وابستگی متقابل با تأکید بر ایجاد پیوند مستقیم و مثبت میان منافع دولت‌ها تصویری متفاوت از روابط یک دولت با دولت‌های دیگر ارائه کرده و تغییر در جایگاه آن را بیش و پیش از هر چیز منوط به نحوه ارتباط آن با سایرین کرده است. در واقع، بر اساس ایده وابستگی متقابل دولت‌ها معمولاً در نردبان موقعیت بین‌المللی و توازن قدرت، رفاه و دسترسی به فن‌آوری با هم بالا و پایین می‌روند. جوزف نای^۱ و رابرت کوهن^۲ از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان نظریه وابستگی متقابل هستند.

1. Joseph Nye

2. Robert Cohen

کوهن و نای در دهه ۱۹۷۰ کوشیدند با طرح نگرش‌هایی نو نشان دهند که قالب فکری واقع‌گرایی تنها قالبی نیست که بتوان روابط بین‌الملل را بر اساس آن توضیح داد. آنان به چالش با واقع‌گرایی و مفاهیم بنیادین آن پرداختند و با طرح مفهوم و چارچوب نظری وابستگی متقابل، شیوه متفاوتی را برای فهم روابط بین‌الملل مطرح ساختند. نای و کوهن معتقدند که جهان در معرض دگرگونی بنیادی قرار گرفته و در جریان این دگرگونی، قاعده تعارض و تضارب مبتنی بر تخصص برای قدرت بیشتر جای خود را به وابستگی متقابل و همکاری می‌دهد. بنابراین دولت-ملت‌ها به-تدریج رقبای جدید و بازیگران بین‌المللی جدیدی را در کنار خود می‌یابند و قاعده رفتار آن‌ها دگرگون می‌شود. با این اوصاف مسائل اساسی جهان دیگر تنها مسائل نظامی، امنیتی و استراتژیک نیست، بلکه مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... اهمیت بیشتری یافته‌اند. این دگرگونی، حرکت از سوی سیاست حاد به سوی سیاست ملایم خوانده می‌شود (ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۳۸-۱۴۰).

البته از نظر این دو متفکر اصطلاح وابستگی متقابل تنها به وضعیت‌هایی که متضمن منفعت دو طرف است، محدود نمی‌شود و فقط در حالتی نیست که خطر کاربرد نیروی نظامی کم و سطح منازعه پایین است؛ زیرا آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی به لحاظ نظامی و استراتژیک وابستگی متقابل داشتند. البته حتی در این نوع وابستگی متقابل سیاسی-نظامی نیز قاعده بازی می‌تواند حاصل جمع صفر نباشد. به‌علاوه نباید پنداشت که در وابستگی متقابل همواره برابری کامل وجود دارد. البته وابستگی متقابل با وابستگی دو طرفه متقارن و یکسان نیست. عدم تقارن در وضعیت وابستگی به احتمال قوی موجب اعمال نفوذ یکی از طرفین روی طرف مقابل می‌شود (رنجبر، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

بر این اساس سیاست استراتژیک رژیم اسرائیل در منطقه در جهت پیشبرد اهداف و منافع سیاست خارجی تاریخی تل‌آویو اتخاذ شده است. هدف رژیم اسرائیل در منطقه قفقاز به‌ویژه کشور آذربایجان شامل تامین امنیت ملی، تأثیرگذاری بر نفوذ و حضور سایر قدرت‌ها، کسب مشروعیت سیاسی، تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و دوری از انزوای سیاسی است. در نقطه مقابل جمهوری آذربایجان هم به رژیم اسرائیل نیازمند است و ضعف‌ها، نیازهای داخلی و منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای دو طرف سبب شده تا باکو و تل‌آویو به‌عنوان گزینه‌های جدی برای یک‌دیگر محسوب شوند و روابطی گسترده و چندجانبه در جهت تامین منافع اساسی خود برقرار کنند. باکو با ایجاد روابط با تل‌آویو، علاوه بر این که یک متحد سیاسی، اقتصادی و نظامی یافته، توانسته درگیری‌های ارضی‌اش را هم کاهش دهد و خود را زیر چتر حمایتی آمریکا قرار دهد. رژیم صهیونیستی نیز که برای افزایش قدرت و تحکیم موقعیت خود از یک‌سو درصدد تسلط بر مناطق ژئواکونومیکی جهان بوده و از سوی

دیگر به دنبال یافتن متحدانی در محیط پیرامونی ایران برای مقابله با نفوذ آن در محیط پیرامونی خود بوده است، از فرصت ایجاد شده در راستای پیشبرد سیاست خود حداکثر استفاده را کرده است. در همین راستا سیاست خارجی این رژیم همواره منافع ملی خود را ورای مرزهای خاورمیانه عربی و در ایجاد ارتباط با کشور آذربایجان و به حاشیه راندن و تهدید امنیت ملی ایران جستجو کرده است.

۳. تاریخچه شکل‌گیری روابط آذربایجان و رژیم اسرائیل

بعد از به دست آوردن استقلال، اولویت رهبران جدید کشور آذربایجان، یافتن متحدین استراتژیک قدرتمند سیاسی، اقتصادی و نظامی برای حفاظت از استقلال و تمامیت ارضی و شکل دادن به اصول اساسی سیاست خارجی خود بود و برای رسیدن به این هدف باکو در تلاش بوده با کشورهای قدرتمند منطقه و جهان روابط دیپلماتیک برقرار نماید و بر این اساس ابتدا با ترکیه و ایران و سپس با آمریکا روابط دیپلماتیک برقرار ساخت تا به‌عنوان یک ابرقدرت ابزار لازم را برای کمک به فاصله گرفتن از میراث تزاری، کمونیستی-روسی در اختیار این کشور قرار دهد. رابطه میان کشور آذربایجان و رژیم صهیونیستی نیز در همین راستا توسعه یافت (Dashefsky, 2010: 21). به صورت تاریخی، این کشور برای دو هزار سال خانه گروه‌های مختلفی از یهودیان (شامل یهودیان کوهستان، اشکنازی، بخارایی و گرجی) بوده و از معدود مناطقی در اتحاد جماهیر شوروی بود که در سال ۱۹۷۰ حدود چهار هزار یهودی در آن همواره در فضایی صلح‌آمیز با همسایگان خود زندگی می‌کردند. به همین دلیل باکو از مناطق اصلی استقرار یهودیان در عصر امپراطوری روسیه تزاری بود. بعد از استقلال آذربایجان، رژیم اسرائیل موجودیت آذربایجان را در ۵ دسامبر ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت و متقابلاً باکو نیز برخلاف اکثر کشورهای مسلمان روابط مستحکم دوجانبه و چندجانبه استراتژیک و اقتصادی با این رژیم برقرار نمود و در ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک خود را آغاز و در سال ۱۹۹۳ سفارت رژیم اسرائیل در باکو افتتاح شد (Shaffer, 2013: 12). از آن زمان، حضور و نفوذ رژیم اسرائیل در جمهوری آذربایجان در حوزه اقتصادی، انرژی، اطلاعاتی و نظامی گسترش یافته است، هرچند به نظر می‌رسد که بسیاری از تنش‌هایی که در این سال‌ها باکو درگیر آن بوده، ناشی از مداخلات رژیم اسرائیل است.

حضور رژیم اسرائیل در کشور آذربایجان به واسطه پارامترهای متعددی مانند وجود منابع طبیعی، هم‌جواری با دریای خزر، اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه قفقاز و مسلمانان این کشور دارای اهمیت است. یکی از ابعاد جدی و مهم حضور بنیادهای غیردولتی و مستقل رژیم

اسرائیل در جمهوری آذربایجان، کمک‌های رسمی و غیررسمی مالی آنها جهت ایجاد مطبوعات وابسته (خبرگزاری‌ها، نشریات، روزنامه‌ها) بود تا با استفاده از آنها اقدام به نشر اخبار و مطالب مورد نظر گردانندگان اصلی این بنیادها در افکار عمومی مردم این کشور و سایر ساکنین منطقه نمایند. بدین ترتیب، حضور گسترده رژیم صهیونیستی در این کشور موجب تثبیت موقعیت تل‌آویو برای رسیدن به اهدافش در منطقه شده است. از جمله اهداف مهم رژیم اسرائیل در جمهوری آذربایجان، حضور در محیط امنیتی مجاور ایران است؛ زیرا هم‌چنان که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری محور مقاومت، ایران از طریق حزب‌الله لبنان خود را به مرزهای رژیم اسرائیل رساند، این رژیم نیز تلاش کرده با بزرگ‌نمایی تهدید ایران و اسلام‌گرایی، با استفاده از تهدید مشترک دو جانبه و چندجانبه و با توسل به ترفندهای سیاسی و تبلیغاتی و فعالیت‌های امنیتی و جاسوسی علیه ایران، این هدف خود را دنبال کند.

۴. علل هم‌گرایی جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل

نزدیکی و هم‌گرایی جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل عوامل و دلایل مختلفی دارد که به تفکیک به بررسی آنها می‌پردازیم.

۴-۱. علل سیاسی

به دلیل پیوستگی محیط امنیتی رژیم صهیونیستی با مجموعه امنیتی خاورمیانه، این رژیم به شدت تحت تأثیر تحولات پیرامون خود است. رژیم اسرائیل از بدو تاسیس خود در سال ۱۹۴۸ توسط قدرت‌های بزرگ در سرزمین اشغالی فلسطین تا بعد از دوره تحولات موسوم به بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه، دوران سختی از انزوا و رویارویی با بحران‌های امنیتی را سپری کرده است. جنگ‌های اعراب و اسرائیل، امضای پیمان کمپ دیوید در سپتامبر ۱۹۷۸، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان نظام دوقطبی، یکه‌تازی آمریکا در دوران پس از جنگ سرد، حمله عراق به کویت، حملات ۱۱ سپتامبر و بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا هر کدام تأثیرات متفاوتی بر امنیت و موقعیت رژیم صهیونیستی داشته است. مواجهه با این موقعیت‌های مختلف در شرایطی است که مخالفان دولت یهود نیز آن را بدترین دولت ناقض حقوق بشر، قطعنامه‌های سازمان ملل و حقوق بین‌المللی و مجری سیاست‌های تبعیض نژادی معرفی می‌کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۵۰).

تلاش‌های بین‌المللی برای انزوای دولت یهود در حال نتیجه‌بخشی بود که مصر به عنوان یک عضو برجسته اتحادیه عرب با رژیم اسرائیل صلح کرد. از این تاریخ به بعد خط سازش در مقابل خط تحریم و انزوا برجسته‌تر شد و کشورهای عربی یکی پس از دیگری در نهران و آشکار مذاکرات

عادی‌سازی روابط خود با تل‌آویو را آغاز کردند. در این دوره به دلیل این تحولات، رژیم صهیونیستی توانست انزوای بین‌المللی خود را تا حدی کم کند. در همین دوره بود که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی و قفقاز شرایط جدیدی برای خروج از انزوا برای رژیم اسرائیل فراهم شد. بدین ترتیب، ایجاد روابط سیاسی با جمهوری آذربایجان برای سیاستمداران رژیم اسرائیل بسیار مهم تلقی گردید. روابط رژیم اسرائیل با کشور آذربایجان مسلمان در این شرایط علاوه بر منافع سیاسی-اقتصادی، موجب تطهیر چهره ضداسلامی رژیم صهیونیستی گردید و از اتحاد و بلوک‌بندی ضدصهیونیستی از جانب کشورهای مسلمان جلوگیری نمود. این شرایط در سال‌های بعد نیز تداوم یافت و علی‌رغم تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک در منطقه، گسترش و تحکیم روابط میان کشور آذربایجان و رژیم صهیونیستی موجب شده تا عمق این روابط فراتر از تضادهای سیاسی و ایدئولوژیک برود و ریشه‌های پراگماتیستی قوی آن خصوصاً در موضوعات اقتصادی و فن‌آورانه، جمهوری آذربایجان را بیش از ایران به رژیم اسرائیل نزدیک کند، چراکه ابعاد همکاری‌های طرفین علاوه بر وابستگی متقابل در جهت رفع نیازهای ملی و فراملی؛ نشان از روابط بسیار مستحکم و روبه‌رشد میان آنها دارد که می‌توان آن را در سطح استراتژیک توصیف کرد (Griffiths, 2013: 3-4). اصلی‌ترین انگیزه سیاسی جمهوری آذربایجان برای هم‌گرایی با رژیم اسرائیل را می‌توان چنین برشمرد:

الف) جلب حمایت لابی‌های صهیونیستی در آمریکا: ساختار سیاسی غیرمتمرکز و تقسیم شده آمریکا سبب شده است که جریان‌ها و تشکل‌های بسیاری بتوانند روندهای پیچیده تصمیم‌گیری سیاسی در این کشور را تحت تأثیر قرار دهند. با آن‌که یهودیان تنها ۳ درصد از جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، اما توانسته‌اند به تأثیرگذارترین اقلیت قومی-نژادی در ساختار قدرت این کشور تبدیل شوند. تلاش‌های لابی یهودیان در حمایت از دولت رژیم اسرائیل، محصول مشترک تعدادی از سازمان‌های یهودی است که در این میان نقش کمیته امور عمومی آمریکا و رژیم اسرائیل به عنوان قدرتمندترین و شناخته شده‌ترین سازمان یهودی آمریکا در جهت تضمین امنیت، بقا و موجودیت این رژیم با استفاده از ابتکارات قانونی بسیار شاخص است. محور بنیادین سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، تماماً به سیاست داخلی رژیم اسرائیل و خصوصاً به فعالیت‌های لابی آن وابسته است. لابی رژیم اسرائیل، ائتلاف بزرگی از افراد و سازمان‌هایی است که فعالانه اقدام می‌کنند تا سیاست خارجی آمریکا را در جهت حمایت از منافع رژیم اسرائیل هدایت کنند (نیاکویی و کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۳۹).

یهودیان جمهوری آذربایجان از لحاظ سیاسی بیش از ترکیب جمعیتی خود دارای جایگاه می‌باشند. با این وجود، روند فزاینده نفوذ یهودیان در این کشور به پشتوانه حمایت رژیم صهیونیستی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، تجاری، سیاسی و امنیتی به تدریج ابعاد جدیدی می‌یابد و یکی از اهداف رژیم صهیونیستی، لابی‌سازی در این کشور است که در این فرایند سازماندهی یهودیان در داخل و خارج از جمهوری آذربایجان مورد توجه قرار گرفته است (Abilov, 2009: 8). از طرف دیگر، باکو می‌خواهد از لابی یهود در آمریکا جهت تأثیرگذاری بیشتر بر آمریکا و حل مناقشه قره‌باغ استفاده کند و از توانمندی‌های فن‌آوران این رژیم در زمینه‌های ارتباطات، بهداشت و امور پزشکی و نظامی، مشارکت رژیم اسرائیل در تامین امنیت خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیحان و خط لوله گاز باکو-تفلیس-ارزروم و در نهایت بهره‌گیری از ظرفیت سرویس‌های امنیتی رژیم صهیونیستی جهت شناسایی و خنثی‌سازی عواملی که در پی ایجاد ضربه‌های امنیتی به جمهوری آذربایجان هستند استفاده کند و حتی از لابی رژیم اسرائیل در راستای تأثیرگذاری بر رفتار روسیه نیز بهره‌برد. لابی‌های صهیونیستی موجود در آمریکا موجب حمایت سازمان‌های بین‌المللی از باکو و همچنین فروش سلاح و تجهیزات نظامی به این کشور شده و از لحاظ اقتصادی نیز به آذربایجان کمک کرده فروش نفت به کشورهای اروپایی را با سهولت بیشتری انجام دهد و حتی از نفوذ این لابی‌ها برای گسترش روابط با کشورهای دیگر در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی نیز بهره‌برده است (Shamkhal, 2009: 139).

ب) گسترش مناسبات با آمریکا: جمهوری آذربایجان یکی از شرکای اصلی آمریکا در بخش انرژی منطقه به شمار می‌رود و واشنگتن همواره از دولت باکو در راستای اجرای پروژه‌های انرژی فرامنطقه‌ای از جمله در دریای خزر حمایت کرده است. با وجود سطح بالای همکاری‌های اقتصادی فیما بین، روابط باکو و واشنگتن طی سال‌های پس از استقلال جمهوری آذربایجان بنا به برخی ملاحظات سیاسی همواره با فراز و فرودهایی همراه بوده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی، آمریکا در ماه دسامبر همان سال استقلال ملی جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت و در فوریه سال ۱۹۹۲ میلادی روابط دیپلماتیک با دولت باکو برقرار کرد (فرانکل، ۱۳۷۱: ۱۷۰). آمریکا در دهه ۱۹۹۰ میلادی در اجرای پروژه‌های انرژی مهم باکو در دریای خزر به صورت فعال مشارکت داشت و از اجرای طرح‌های انرژی فرامنطقه‌ای از جمله توسعه بزرگ‌ترین میادین نفتی "آذری، چراغ و گونشلی" و میدان گازی "شاه‌دنیز" در دریای خزر و نیز خط لوله نفتی باکو-تفلیس-جیحان و خط لوله گازی باکو-تفلیس-ارزروم حمایت کرده است. در

نتیجه این مناسبات، جمهوری آذربایجان بزرگ‌ترین شریک تجاری آمریکا در منطقه قفقاز جنوبی به شمار می‌رود و بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری آمریکا در حوزه صنعت نفت و گاز در کشور آذربایجان انجام شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۴۰).

با وجود همکاری‌های موفقیت‌آمیز آمریکا و جمهوری آذربایجان در حوزه‌های اقتصادی و به‌ویژه در صنعت نفت و گاز و توسعه منابع انرژی دریای خزر، تعاملات سیاسی دو کشور در سال‌های گذشته فراز و فرودهایی داشته و گاهی به سردی در روابط دو کشور گراییده است. به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۹۲ با شدت گرفتن مناقشه قره‌باغ که با اشغال بخشی از سرزمین‌های جمهوری آذربایجان از سوی ارمنستان در قره‌باغ همراه بود، کنگره آمریکا به ابتکار لابی ارمنی در حمایت از تجزیه‌طلبان ارمنی در قره‌باغ کوهستانی مصوبه تحریمی ۹۰۷ علیه جمهوری آذربایجان را تصویب کرد (Bourtman, 2006: 49) و در نهایت تنها با حمایت لابی یهود، این کشور توانست آمریکا را متقاعد سازد تا محدودیت‌های ایجاد شده را مورد تجدیدنظر قرار دهد.

ج) تثبیت جایگاه خود در منطقه قفقاز: منطقه قفقاز به دلایل ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک همواره محل رقابت‌های منطقه‌ای با تبعات بین‌المللی بوده است. به‌دنبال جنگ قره‌باغ، کشور آذربایجان پس از سال‌ها موفق به آزادسازی بخش‌هایی از خاک خود در نواحی جنوب قره‌باغ شد اما از دستیابی به نواحی شمالی‌تر بازماند. در حالی که ارمنستان در این جنگ بدون پشتیبان‌ها شده بود، دولت آذربایجان از حمایت ترکیه و حضور مستقیم تروریست‌های تکفیری وابسته به آنکارا بهره برد. باکو هم‌چنین در این جنگ به‌طور گسترده‌ای از تسلیحات ساخت ترکیه و رژیم صهیونیستی استفاده کرد (Shiriyev, 2012: 4). منطقه قفقاز جنوبی با محوریت جمهوری آذربایجان از اصلی‌ترین گزینه‌های تامین انرژی مورد نیاز رژیم صهیونیستی بوده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، باکو محور اصلی سیاست خود را تقویت روابط و مناسبات همه‌جانبه با غرب قرار داد. باکو برای تثبیت موقعیت خود در عرصه جهانی علاوه بر تثبیت موقعیت خود در جهان اسلام و برخورداری از کمک‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای مسلمان، باید روابطش را با اتحادیه اروپا و آمریکا و متحدانش نیز حفظ کند و در این زمینه نیز به حمایت رژیم اسرائیل نیاز دارد. از طرف دیگر، این رژیم با نفوذ در منطقه قفقاز به‌خصوص جمهوری آذربایجان تلاش دارد یهودیان ساکن در این کشور را تحت حمایت خود قرار دهد (پورحسن، ۱۳۸۷: ۲۱).

رژیم صهیونیستی علاوه بر اهداف سیاسی، دارای اهداف اقتصادی چشم‌گیری در منطقه قفقاز است. اولین گام برای نفوذ در حوزه اقتصادی این منطقه، سرمایه‌گذاری گسترده و تشخیص میزان

منابع انرژی است (واحدی، ۱۳۸۲: ۲۵۲-۲۵۱). در همین راستا، این رژیم با اولویت نیاز به مواد اولیه برای توسعه اقتصاد ملی، در بخش نفت و گاز کشور آذربایجان نفوذ فعالی داشته که احداث خط لوله باکو-جیحان از این نظر نقطه عطفی در روابط دو کشور محسوب می‌شود که در سال ۲۰۲۱، ۲۳۹.۶ هزار تن نفت از این خط لوله منتقل شده است (سارژین، ۲۰۲۱: ۱). بالغ بر ۲۰ درصد واردات نفتی این رژیم با بهره‌برداری از این خط لوله تامین می‌شود. با وجود این که رژیم اسرائیل در احاطه کشورهای نفت‌خیز قرار دارد اما نتوانسته است نیاز نفتی خود را از این طریق تامین کند. به همین جهت باکو برای این رژیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ابتدای دهه سوم قرن ۲۱ بیش از ۹۰ شرکت اسرائیلی در بخش خدمات، صنعت، تجاری، کشاورزی و ساخت و ساز در آذربایجان فعالیت دارند که حجم مبادلات تجاری آذربایجان و رژیم اسرائیل در سال ۲۰۲۱ تقریباً ۲ برابر و در ژانویه تا فوریه ۲۰۲۲، شش برابر شده است.

در طرف مقابل، رژیم اسرائیل نیز انگیزه سیاسی بالایی برای برقراری روابط با جمهوری آذربایجان داشته است. بحران‌های حل نشده در رژیم صهیونیستی که با همسایگان عرب از سال ۱۹۴۸ محاصره شده است، بر شکل‌دهی به سیاست خارجی و سیاست‌های امنیت ملی این رژیم تأثیر به‌سزایی داشته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری محور مقاومت، مقامات اسرائیلی درصدد بودند تا در منطقه پیرامونی ایران به عنوان اصلی‌ترین دشمن خود حضور داشته باشند تا بتوانند موضوع محور مقاومت را مهار کنند و در همین راستا سیاست حضور فعال در کشورهای پیرامونی ایران از جمله جمهوری آذربایجان برای این رژیم مزیت‌های زیادی پیدا کرد؛ چرا که اجازه می‌دهد تحرکات امنیتی و اطلاعاتی بیشتری در مورد ایران داشته باشند، مزیتی که در هیچ کشور دیگری از کشورهای منطقه برای رژیم اسرائیل وجود ندارد. از طرفی دیگر، رابطه رژیم اسرائیل با جمهوری آذربایجان در جهت تلاش برای شکستن انزوایی که در جهان اسلام با آن روبروست تفسیر می‌شود. در همین راستا، هدف اصلی سیاست خارجی این رژیم بر گسترش روابط با سایر کشورهای مسلمان غیرعرب خاورمیانه قرار گرفت تا از این طریق چهره ضداسلامی خود را بهبود بخشد و در سطح جهانی مشروعیت خود را ارتقا دهد. این رژیم تلاش دارد با حضور پررنگ در کشورهایی هم‌چون جمهوری آذربایجان و مناقشه‌هایی مانند قره‌باغ به نوعی نگاه ایران را از موضوع تحولات و بحران‌هایی که در کشورهای خاورمیانه از جمله سوریه، لبنان، یمن وجود دارد، دور کند. در واقع رژیم اسرائیل تلاش می‌کند با ایجاد تنش در مرزهای ایران به نوعی تهران را از اولویت خود یعنی تقابل با رژیم صهیونیستی در مرزهای خود دور کند. در اصل یکی از راهبردهای

این رژیم آن است که با نفوذ در جمهوری آذربایجان و با ناامن‌سازی منطقه علاوه‌بر فراهم کردن زمینه نفوذ خود، تحولات منطقه‌ای را به گونه‌ای رقم بزند که ایران تحت فشار بیشتری قرار گیرد. روند فزاینده گسترش حضور رژیم صهیونیستی در گستره‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تجاری و امنیتی آذربایجان رفته رفته ابعاد جدیدی می‌یابد و تداوم همکاری متقابل باکو و تل‌آویو در حوزه‌های مختلف، موجب تداوم نگرش امنیتی تهران و باکو نسبت به هم شده است.

۴-۲. علل نظامی

کشور آذربایجان تجهیزات نظامی را از رژیم اسرائیل خریداری می‌کند و نفت خود را به آن می‌فروشد، که این مسئله نشان دهنده وابستگی متقابل آنها در عرصه فروش نفت و تجهیزات به یکدیگر است. در سال ۲۰۱۲، وزیر خارجه رژیم اسرائیل در باکو گفت: «برای رژیم اسرائیل روابط با آذربایجان از روابط با فرانسه مهم‌تر است». تا سال ۲۰۱۶ هزینه سلاح‌های خریداری شده توسط باکو از رژیم اسرائیل به ۶ میلیارد دلار رسید. شرکتی که نگهبانان امنیتی را آموزش می‌دهد و تجهیزات امنیتی فرودگاه باکو را تهیه می‌کند نیز یک شرکت اسرائیلی است (واحدی، ۱۳۸۲: ۲۶۰). آن‌چه در روابط دوجانبه آذربایجان و رژیم اسرائیل حساسیت‌های بسیاری را به‌ویژه از سوی ایران برانگیخته، گسترش بی‌سابقه همکاری‌های دفاعی، اطلاعاتی و نظامی است. همکاری‌های نظامی - فنی بین باکو و تل‌آویو تقریباً ۲۰ سال سابقه دارد. در سال ۲۰۰۴، قراردادی برای تهیه سلاح‌های اسرائیلی تولید شده در ترکیه با آذربایجان منعقد شد. بر اساس اسناد ویکی‌لیکس، در سپتامبر ۲۰۰۸، رژیم اسرائیل و آذربایجان توافق‌نامه‌ای امضا کردند که بر اساس آن شرکت سولتام^۱ قراردادی برای تهیه خمپاره اندازه‌ها و مهمات آنها با ارتش آذربایجان منعقد کرد. در سال ۲۰۰۹، شرکت دفاعی اسرائیلی البیت سیستم^۲ نمایندگی خود را در آذربایجان افتتاح کرد. در مارس ۲۰۱۱، کارخانه‌های شرکت مشترک آذربایجان و رژیم اسرائیل^۳ که در سال ۲۰۰۹ تاسیس شد، تولید پهپادهای اوربیتور^۴ و ایروستار^۵ را آغاز کردند. در سال ۲۰۱۲، خرید تجهیزات نظامی آذربایجان از رژیم اسرائیل به بیش از ۱.۶ میلیارد دلار افزایش یافت و تا سال ۲۰۱۶، به ۶ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۱۶، در جریان سفر نتانیاهاو نخست‌وزیر وقت رژیم اسرائیل به باکو، طرفین توافق‌نامه

1. Soltam

2. Elbit Systems

3. AZAD Systems Company

4. Orbiter

5. Aerostar

همکاری در زمینه دفاع و امنیت را امضا کردند که براساس آن حضور دائمی متخصصان نظامی اسرائیلی و پرسنل موساد در آذربایجان مورد توافق قرار گرفت (سارژین، ۲۰۲۱: ۱).

عوامل نامشهود بسیاری روابط نظامی میان جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل را که معمولاً عاری از ملاحظات سیاسی است و به صورت مخفیانه اداره می‌شود، توجیه می‌نماید. در واقع، رژیم صهیونیستی از همکاری‌های نظامی و امنیتی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی برای جذب و کنترل روابط با کشورهای دیگر مانند جمهوری آذربایجان استفاده می‌کند. هم‌چنین از آن‌جا که رهبران صهیونیستی جلب و جذب سرویس‌های امنیتی و نظامی در سراسر جهان را برای مقابله با تهدیدهای امنیتی در کانون توجه قرار داده‌اند، گسترش این نوع روابط با جمهوری آذربایجان را نیز بسیار سودمند و مهم یافته‌اند. این گونه همکاری‌های نظامی برای رژیم صهیونیستی علاوه بر دسترسی به منابع عظیم اطلاعاتی در مورد ارتش‌های ملی، تهدیدات بالقوه و توانایی‌های احتمالی آنها، می‌تواند برای توسعه بازارهای آتی سخت‌افزارهای نظامی و افزایش دخالت و جذب مردم و حتی به رسمیت شناختن آنها نیز سودمند واقع شود (Shaffer, 2013: 14). گسترش رابطه رژیم اسرائیل با باکو را تنها به خاطر احساس تهدید مشترک از جانب ایران نمی‌توان تجزیه و تحلیل نمود، جمهوری آذربایجان معتقد است بدون حمایت و کمک‌های روسیه به ایران، ارمنستان قادر به حفظ تسلط خود بر قره‌باغ نخواهد بود. بنابراین وجود پایگاه‌های نظامی مسکو در ارمنستان را مانعی برای مقابله با این کشور می‌پندارد. به همین خاطر، کشور آذربایجان ارتباط با رژیم صهیونیستی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای یک سیاست خارجی مستقل به حساب می‌آورد. در شرایطی که غرب نیز به رهبری ایالات متحده برای تضعیف جایگاه و موقعیت روسیه به دنبال نفوذ در کشورهای جدا شده از شوروی سابق است، قفقاز به‌ویژه جمهوری آذربایجان به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک و منابع غنی آن برای مقامات اسرائیلی یک اولویت مهم به حساب می‌آید. به هر حال بخش نظامی از مهم‌ترین بخش‌های روابط کشور آذربایجان با این رژیم است که در آینده بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر نیز خواهد شد.

۳-۴. علل امنیتی

سیاست خارجی فعال و علاقه‌مندی رژیم صهیونیستی به منطقه قفقاز پس از فروپاشی شوروی دلیل توجه به این منطقه بوده است. در واقع رابطه این رژیم با کشور آذربایجان را می‌توان بخشی از تلاش آن برای شکست انزوایی دانست که در کشورهای اسلامی علیه رژیم اسرائیل وجود داشت. از آغاز تشکیل رژیم اسرائیل موجودیت آن مورد حمله کشورهای عرب قرار گرفت. به مرور زمان، یکی از

اهداف سیاست خارجی مقامات صهیونیستی گسترش رابطه با کشورهای مسلمان غیرعرب بود تا از طریق یافتن متحدانی جدید، نه تنها مشروعیت خود را در سطح بین‌المللی ارتقا بخشند، بلکه چهره ضداسلامی که از آنان ترسیم شده است را نیز خنثی سازند. علاوه بر این، گسترش رابطه تل‌آویو با باکو در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی تلاش برای محدود کردن تأثیرات احتمالی پیوندهای قومی، مذهبی و تاریخی مشترک میان جمهوری آذربایجان با جامعه ایران نیز تعبیر شده است (Khalifa Zadeh, 2013: 2).

از دیدگاه مقامات صهیونیستی، ایران مهم‌ترین تهدید برای امنیت این رژیم است. در همین راستا، آن‌ها استراتژی دیپلماسی فعال برای محاصره این کشور را در دستور کار سیاست خارجی خود دارند. بنابراین موقعیت استراتژیک جمهوری آذربایجان در شمال مرزهای ایران انگیزه‌ای برای رژیم صهیونیستی برای اجرای دستورالعمل محاصره دیپلماتیک فعال ایران را فراهم می‌سازد (پورحسن، ۱۳۸۷: ۲۸). روند همکاری‌های رژیم اسرائیل و آذربایجان در حوزه دفاعی و امنیتی طی سال‌های اخیر بسیار فراتر از اهداف اعلامی دولت آذربایجان برای برقراری موازنه دفاعی و امنیتی با ارمنستان بر سر مسئله مورد مناقشه قره‌باغ است و آشکارا امنیت ملی و سرزمینی ایران را نشانه گرفته است. بخش بزرگی از تلاش‌های این رژیم برای گسترش همکاری‌های نظامی و امنیتی با باکو در راستای اجرایی‌سازی محاصره دیپلماتیک فعال ایران بوده است. بر این اساس رژیم صهیونیستی ایجاد مراکز الکترونیکی جهت جمع‌آوری اطلاعات در طول مرزهای ایران و آذربایجان در دهه ۱۹۹۰ میلادی را به عنوان بخشی از همکاری‌های نظامی و امنیتی دو طرف در کانون توجه قرار داد. در حوزه اطلاعاتی و جاسوسی، باکو با استقرار دستگاه‌های ماهواره‌ای، جاسوسی، و اطلاعاتی رژیم اسرائیل در خاک آذربایجان نظیر پهپادهای نوع اوربیتور و ایروستار (که از ایستگاه زمینی قابل کنترل هستند) و پهپاد هرمس-۱۴۵^۱ (که دارای سیستم ناوبری ماهواره‌ای GPS است) و نیز پذیرش حضور نیروهای اطلاعاتی موساد، زمینه را برای فعالیت‌های اطلاعاتی رژیم اسرائیل علیه ایران فراهم ساخت (شفیعی، ۱۳۹۹: ۱۸۳-۱۸۴). ایران نسبت به فعالیت‌های مشترک جاسوسی و خرابکاری‌های هدایت شده توسط موساد که با استفاده از خاک جمهوری آذربایجان بر علیه ایران انجام می‌پذیرد، به کرات هشدار داده است.

۵. پیامدهای هم‌گرایی تل‌آویو و باکو برای امنیت ملی ایران

قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رژیم صهیونیستی برای حضور در جمهوری آذربایجان تلاش می‌کرد. در این راستا در سال ۱۹۹۰ انجمن دوستی آذربایجان-رژیم اسرائیل تاسیس شد. نفوذ این

۱. Hermes-450

رژیم در جمهوری آذربایجان از دوران حکومت ملی‌گرایان جبهه خلق بر جمهوری آذربایجان آغاز شد (کاظمی، ۱۳۸۴: ۱۲۹). جامعه آذربایجان از نظر تاریخی یک جامعه مسلمان شیعه محسوب می‌شود، اما امروزه به عنوان یک کشور مسلمان سکولار شناخته می‌شود. سیاست‌گذاران اسرائیلی در تلاش‌اند تا استنباط ضدمسلمان بودن جامعه آذربایجان از رژیم اسرائیل را از بین ببرند و نشان بدهند برای توسعه روابط با کشورهای مسلمان، به‌ویژه شیعیان ارزش قائل هستند. در راستای پایان مناقشه و تقویت روند صلحی که میان اعراب و رژیم صهیونیستی تداوم داشته، تل‌آویو می‌کوشد با ایجاد رابطه با جمهوری آذربایجان ضمن ایجاد و حفظ روابط دیپلماتیک و سیاسی با این کشور غیرعرب مسلمان، سبب از میان برداشتن استنباط ضدمسلمان بودن خود شود و نشان دهد که توانایی برقراری روابط با سایر کشورهای مسلمان را نیز دارد.

یکی از سیاست‌های دائمی رژیم اسرائیل این است که همواره در تلاش بوده از بحران‌های موجود به نفع خود بهره‌برداری سیاسی و استراتژیک کند. بحران‌های متعددی در آسیای مرکزی و قفقاز (فروپاشی شوروی و بلوک‌بندی مختلف) به وجود آمد که موازنه قوای منطقه‌ای را به صورت محسوسی به نفع آمریکا و رژیم صهیونیستی دگرگون ساخته است که این ساختار به شدت می‌تواند امنیت ملی ایران را تهدید کند (حیدری، ۱۳۸۲: ۱۵۰). در واقع شناخت ماهیت و شناسایی نوع و مرکز تهدیدات علیه ایران بسیار حائز اهمیت است. حضور و نفوذ جاسوسان و مزدوران رژیم اسرائیل در کشورهای هم‌مرز ایران نشان دهنده آن است که این رژیم از این موقعیت جهت ناامن‌سازی امنیت و منافع ملی ایران بهره می‌گیرد. پیامدهای اقدامات اسرائیلی‌ها در کشور آذربایجان علیه امنیت ملی ایران را می‌توان چنین برشمرد:

۱-۵. پیامدهای امنیتی

نیاز مقامات آذربایجان به توسعه، انگیزه همکاری این کشور برای ایجاد روابط با رژیم اسرائیل را افزایش داده است. در چنین شرایطی رژیم اسرائیل توانسته حضور فعال در مرزهای ایران داشته باشد و گسترش نهادهای صهیونیستی در قالب موسسات فرهنگی و اقتصادی و بنیادهای به اصطلاح خیریه و انسان‌دوستانه در آذربایجان، تهدید و خطری جدی برای امنیت و منافع ملی ایران محسوب می‌شود. تل‌آویو با استفاده از اقداماتی مانند انجام فعالیت‌های جاسوسی با ایجاد سامانه و پایگاه‌های پیشرفته شنود رادیویی در مرزهای ایران جهت استراق سمع، فروش هواپیماهای جاسوسی بدون سرنشین و کسب آمادگی برای انجام حملات ضربتی علیه ایران با سیستم‌های

ضد هوایی و دفاع موشکی، در صدد است موقعیت خود را در برابر ایران ارتقا داده و آسیب‌پذیری این کشور را افزایش دهد. این مسئله بیانگر آن است که منطقه قفقاز مناسب‌ترین نشانگاه امنیتی علیه ایران است. به همین خاطر مقامات ایرانی دولت آذربایجان را به همکاری و هم‌دستی با جاسوسان و تروریست‌های این رژیم متهم کرده‌اند (ایفریم، ۱۳۸۷: ۶۰-۶۶).

ماهیت تهدیدات رژیم اسرائیل علیه ایران ناشی از تقابل ایدئولوژیکی و فکری است، اما شکل تهدید با توجه به شرایط مختلف (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) در عرصه بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی ممکن است وجوه مختلفی پیدا کنند. بر اساس این نگرش تقابل بین ایران و رژیم اسرائیل، تقابل دو آرمان‌گرایی تاریخی متعارض در جهت از بین بردن آمال و گرایش‌های بنیادین (بیشتر از سوی رژیم اسرائیل) است که یک نوع نزاع ایدئولوژیک محسوب می‌شود و تاکنون به خوبی شناسانده شده است. رژیم اسرائیل به جمهوری آذربایجان به عنوان متحدی علیه ایران و سکویی جهت رصد جمهوری اسلامی و بازاری برای جنگ افزارهای نظامی خود نیاز دارد (طاهایی، ۱۳۷۷: ۴۶). بنابراین دشمنی این رژیم به تمامیت نظام ایران و نابودی ماهیت و محتوای درونی انقلاب اسلامی آن بازمی‌گردد. با این اوصاف پیامدهای امنیتی حضور رژیم اسرائیل در جمهوری آذربایجان برای امنیت ملی ایران عبارتند از:

- استفاده از حضور در کشورهای هم‌مرز ایران جهت اقدامات خرابکارانه؛
- حمایت از گروه‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه؛
- جاسوسی از ایران با حضور و نفوذ در کشورهای هم‌مرز آن؛
- تحریک گروه‌های قومی واگرا؛
- نابودی محتوای درونی انقلاب اسلامی و ایجاد تقابل ایدئولوژیک میان کشورهای منطقه با ایران؛

۲-۵. پیامدهای سیاسی

با توجه به دشمنی آشکار رژیم صهیونیستی با ایران، حضور امنیتی- نظامی این رژیم در منطقه قفقاز، به‌ویژه جمهوری آذربایجان می‌تواند به تشدید فضای نظامی‌گری در منطقه منجر شود، که نه تنها سبب واگرایی سیاسی-امنیتی میان کشور آذربایجان با ایران است، بلکه محیط امنیتی هم‌جوار ایران را ناامن کرده و باعث چالشی جدی و بحران‌ساز برای امنیت و منافع ملی ایران می‌شود. هم-چنین تأمین امنیت انرژی رژیم اسرائیل می‌تواند باعث بالا بردن ضریب امنیتی و کاهش آسیب‌پذیری آن در مقابل مخالفان و دشمنانش شود. رژیم صهیونیستی با حضور در کشور آذربایجان، کاهش نفوذ و شکل‌گیری نظم منطقه‌ای مطلوب ایران در منطقه قفقاز را دنبال می‌کند و

با معرفی جمهوری اسلامی به عنوان خطر اصلی امنیت ملی، نظام حکومتی و ثبات داخلی دولت‌های منطقه، گسترش بنیادگرایی اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی را تهدیدی برای آن‌ها معرفی می‌نماید. از نظر مقامات تل‌آویو، ایران حامی حرکت‌های اسلام‌گرایانه است که بایستی به روش‌های گوناگون مانع نفوذ و تأثیرگذاری آن شد. در همین راستا، ایران‌هراسی هدف بزرگی است که این رژیم مدام در حال تبلیغ آن است (احمدی، ۱۳۹۱: ۱۶). از آن‌جا که راهبرد امنیت ملی رژیم صهیونیستی مبتنی بر جلوگیری از هسته‌ای شدن کشورهای خاورمیانه است، از دید مقامات اسرائیلی، برنامه هسته‌ای ایران برای کل منطقه خاورمیانه خطر جدی محسوب می‌شود و رژیم اسرائیل نیز آن را به‌عنوان تهدید اصلی علیه امنیت ملی و موجودیت خود می‌داند و در همین راستا در تلاش است وجهه ایران را در سطح بین‌المللی نیز تخریب نماید (حیدری، ۱۳۸۲: ۱۴۹-۱۵۰). در مجموع پیامدهای سیاسی حضور رژیم اسرائیل در جمهوری آذربایجان برای امنیت ملی ایران را می‌توان چنین برشمرد:

- افزایش مشروعیت سیاسی از طریق برقراری روابط سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای منطقه؛
- فعالیت تبلیغاتی این رژیم مبنی بر تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای؛
- ترغیب کشورهای منطقه به عدم الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران؛
- انعقاد پیمان‌های امنیتی رژیم صهیونیستی با کشور آذربایجان؛
- جلوگیری از ایجاد بلوک‌بندی منطقه‌ای علیه رژیم اسرائیل؛
- ممانعت از روند گسترش حوزه فکری و گستره جمعیتی اسلامی- شیعی در آذربایجان؛
- مهاجرت یهودیان ساکن در منطقه به رژیم اسرائیل و تقویت موضع آن علیه امنیت ملی و منطقه‌ای ایران؛

۳-۵. پیامدهای اقتصادی

مقامات صهیونیستی افزایش قدرت اقتصادی خود را با هدف تضعیف اقتدار اقتصاد سایر کشورهای منطقه به‌ویژه ایران پیگیری می‌کنند؛ چرا که ایجاد موازنه قوای نظامی نیازمند پشتوانه اقتصادی قوی است. حمایت و لابی گسترده این رژیم در آمریکا و غرب برای اعمال تحریم‌های گسترده و فراگیر اقتصادی علیه ایران گواه روشنی بر این مدعاست. در چنین شرایطی، اولویت عمده استراتژی تل‌آویو در توسعه و افزایش روابط اقتصادی و دیپلماتیک با کشورهای منطقه قفقاز، جلوگیری از افزایش نفوذ و حضور ایران در بازار کشورهای منطقه و ممانعت از مشارکت ایران در پروژه‌های اقتصادی این منطقه است. کشور آذربایجان بعد از استقلال به دلیل دارا بودن مواد معدنی

و غیرمعدنی، موقعیت مناسبی برای ورود به صحنه تجارت و بازار جهانی بود. در همین راستا این کشور برای حل معضلات اقتصادی به علت عدم وجود تاسیسات زیربنایی مناسب، وابستگی شدید تجاری و اقتصادی به شوروی سابق، نبود مقررات حقوقی صحیح برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و به کارگیری فن‌آوری مدرن در تلاش بوده تا راه‌حل‌هایی برای خروج از این مشکلات بیابد. سرانجام با تغییر دیدگاه اقتصادی و نیازهای متقابل اقتصادی این کشور به تدریج زمینه‌های روابط تجاری و توسعه اقتصادی بین جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل برقرار شد (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۲: ۳۲-۴۵). روابط سیاسی میان باکو و رژیم اسرائیل بر روابط تجاری و اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از سال ۱۹۹۳، شرکت آذربایجانی ازال^۱ پروازهای بین باکو و رژیم اسرائیل را انجام داده است. در ۲۰۰۷، اولین سند اقتصادی بین آن‌ها به امضا رسید که شامل حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها نیز می‌شود. در ژوئیه ۲۰۱۹، یک تفاهم‌نامه همکاری امضا شد که بر اساس آن رژیم اسرائیل به عنوان مشاور پروژه ایجاد سیستم اطلاعات ملی در آذربایجان عمل می‌کند. در سال ۲۰۱۹، تجارت بین آذربایجان و رژیم اسرائیل به ۱.۴ میلیارد دلار رسید، اما به دلیل شیوع ویروس کرونا در سال ۲۰۲۰ کاهش یافت. بدین ترتیب، همکاری‌های سیاسی و اقتصادی باکو و تل‌آویو و نفوذ شرکت‌های اسرائیلی به‌ویژه با سرمایه‌گذاری عظیم در بخش انرژی فسیلی، موجب شده تا تل‌آویو تبدیل به بزرگ‌ترین واردکننده نفت باکو و یکی از شرکای اصلی اقتصادی این کشور گردد، به گونه‌ای که بر اساس گزارش آژانس انرژی ایالات متحده، رژیم اسرائیل ۴۰ درصد نفت خام مورد نیاز خود را از آذربایجان وارد می‌کند و به این کشور وابستگی نفتی دارد (سارژین، ۲۰۲۱: ۱)، این مسئله سبب کاهش نفوذ و تأثیرگذاری تهران در باکو و منطقه قفقاز شده است و ضررهای گسترده اقتصادی و کاهش نفوذ سیاسی ایران را در منطقه به دنبال خواهد داشت. پیامدهای اقتصادی حضور رژیم اسرائیل در جمهوری آذربایجان برای امنیت ملی ایران عبارتند از:

- فعالیت گسترده رژیم اسرائیل و آذربایجان برای محدود کردن فعالیت اقتصادی ایران؛
- تسلط بر انرژی فسیلی (نفت و گاز) آذربایجان برای تولیدات صنعتی؛
- سرمایه‌گذاری در پروژه‌های صنعتی و کشاورزی آذربایجان؛
- فروش و بازاریابی برای محصولات و تولیدات داخلی رژیم صهیونیستی در کشورهای منطقه؛
- تلاش برای خروج رژیم اسرائیلی‌ها از تحریم و انزوای کشورهای منطقه؛
- جلوگیری از حضور و مشارکت ایران در تاسیسات (نفت و گاز و ...) منطقه؛

۱. AZAL

۴-۵. پیامدهای فرهنگی

رژیم صهیونیستی برای یهودیان ساکن در آذربایجان مراکز متعدد و مختلف فرهنگی از جمله؛ مرکز فرهنگی جامعه یهودیان، جامعه زنان "حوا"، مرکز خیریه هاوا، مرکز فرهنگی هلیل، باشگاه‌های جوانان «الف» و «کیلل»، کلوپ ویدئویی «میشپاها»، مدارس مذهبی یهودی، سازمان هسد- گرشون و باشگاه سلام - شالوم ایجاد کرده است که با موفقیت فعالیت می‌کنند و همچنین روابط فرهنگی با دیگر کشورهای منطقه قفقاز در راستای فعالیت‌های پیشگیرانه علیه ایران را افزایش داده است. حضور فعال اسرائیلی‌ها در حوزه فرهنگی و نفوذ در رسانه‌ها و مطبوعات کشور آذربایجان به واسطه جامعه یهودیان این کشور است. این وضعیت، شرایط را برای ترویج و تبلیغ ایران‌هراسی در منطقه قفقاز تسهیل می‌کند. در واقع، غرب و متحد منطقه‌ای آن یعنی تل‌آویو با طرح اتهاماتی مانند حمایت ایران از بنیادگرایی اسلامی و گروه‌های تروریستی، در تلاش‌اند تا ذهنیت امنیتی-فرهنگی منفی نسبت به ایران در نزد نخبگان و افکار عمومی کشورهای قفقاز به‌ویژه کشور آذربایجان ایجاد کنند. در همین راستا، نفوذ و حضور رژیم اسرائیل در حوزه فرهنگی و رواج ایران‌هراسی مسئله بسیار مهمی است و نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد (امیراحمدیان، ۱۳۸۲: ۱۶۰). بنابراین، تل‌آویو با نفوذ گسترده در این کشور در عین حال که به یکی از اهداف عمده و مهم خود یعنی مقابله با ایران و ایدئولوژی اسلام‌گرایی و ضداسرائیلی و گفتمان انقلاب اسلامی دست می‌یابد، با استفاده از تمام ظرفیتش در صدد است تا از دامنه نفوذ و تأثیرگذاری ایران بر کشورهای منطقه نیز بکاهد و می‌کوشد ساختار امنیتی منطقه را به گونه‌ای نظم دهد که ایران در آن به بازیگر حاشیه‌ای تبدیل گردد. این در حالی است که جمهوری آذربایجان محیط امنیتی هم-جوار ایران محسوب شده و تحولات آن در هر سطحی بر منافع و امنیت ایران تأثیرگذار خواهد بود. پیامدهای فرهنگی حضور رژیم اسرائیل در جمهوری آذربایجان برای امنیت ملی ایران را می‌توان این گونه برشمرد:

- خنثی‌سازی تبلیغات ضدصهیونیستی؛
- تبلیغ فرهنگ و آرمان‌های غربی در کشورهای مسلمان منطقه؛
- تسلط بر امکانات فرهنگی و مذهبی منطقه و جهت دادن به آنها علیه ایران؛
- تبلیغ سکولاریسم؛
- ترویج تفکرات ضداسلامی و ضدشیعی.

نتیجه‌گیری

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فرصت مناسبی برای رژیم صهیونیستی به وجود آورد تا بتواند از خلأ ژئوپلیتیکی منطقه استفاده و نه تنها نیازهای خود را برآورده و به نیازهای متقابل جمهوری آذربایجان پاسخ دهد، بلکه خود را به مرزهای ایران نزدیک کند. جمهوری آذربایجان یکی از نشانگاه‌های ویژه این رژیم است که با توجه به شکل مرزهای ایران و جمهوری آذربایجان، توسعه نیافتگی و ویژگی‌های دموگرافیک منطقه، انگیزه مقامات صهیونیستی را برای انجام اقدامات ضدایرانی در محیط امنیتی هم‌جوار ایران افزون‌تر می‌کند. ورود رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان و افزایش گام‌به‌گام نفوذ آنها در این کشور در راستای کسب مشروعیت منطقه‌ای و خروج از انزوا، بهره‌مندی از منابع سرشار نفت و گاز جمهوری آذربایجان، حمایت از یهودیان در این کشور، هم‌جواری جمهوری آذربایجان با ایران و پیگیری عادی‌سازی روابط با کشورهای مسلمان است. متقابلاً نیاز به توسعه یکی از اصلی‌ترین بهانه‌های جمهوری آذربایجان در برقراری روابط با رژیم اسرائیل بوده است. در واقع این کشور هم برای غلبه بر مشکلات و ضعف اقتصادی و سیاسی خود به دنبال برقراری روابط با رژیم اسرائیل بوده تا از این طریق به اهدافی چون ایجاد روابط با آمریکا و کشورهای اروپایی از طریق لابی‌های این رژیم، استفاده از کمک اسرائیلی‌ها برای سرمایه‌گذاری در این کشور، بهره‌گیری از قدرت لابی یهودی، مبارزه با به اصطلاح تروریسم، جذب فن‌آوری‌های جدید، کمک به حل بحران قره‌باغ و بازسازی صنایع و آموزش کادر فنی و پزشکی، دست پیدا کند. این رژیم تلاش دارد با حضور پررنگ خود در منطقه قفقاز و با دامن زدن به مناقشه‌هایی مانند قره‌باغ به نوعی نگاه ایران را از تحولات در کشورهای خاورمیانه از جمله سوریه، لبنان و یمن دور کند. از راهبردهای رژیم صهیونیستی ناامن‌سازی در داخل و در جدار مرزهای ایران است، که این اقدامات را باید در راستای سیاست فشار و تحریم آمریکا نیز تلقی کرد. از طرفی دستیابی به نفت و مواد خام اولیه برای تولیدات صنعتی، تحریک گروه‌های قوم‌گرا، بهره‌گیری از خاک کشورهای منطقه برای اقدامات خرابکارانه علیه ایران، جلوگیری از ایجاد بلوک منطقه‌ای مخالف رژیم صهیونیستی، ترویج فرهنگ غربی، تفکرات ضداسلامی و سکولار نیز از اهداف رژیم اسرائیل برای حضور و نفوذ در جمهوری آذربایجان است که پیامدهای گسترده امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای ایران دارد. تضعیف اسلام‌گرایی، جلوگیری از گسترش تشیع در منطقه و تقویت نفوذ یهودیان، ایجاد پایگاه استراق سمع و جاسوسی علیه ایران، تقویت حضور ناتو در این منطقه، ضربه زدن به برنامه هسته‌ای و موشکی، ایران‌هراسی، محدود کردن فعالیت‌های اقتصادی ایران، افزایش

قدرت ایران در منطقه، فشار بر ایران و محاصره راهبردی آن، قطع راه‌های ارتباطی ایران با اروپا و ... از جمله پیامدهای هم‌گرایی جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی برای جمهوری اسلامی ایران است که منافع و امنیت ملی ایران را در معرض تهدید قرار می‌دهد. در واقع، تحقق اهداف داخلی و بین‌المللی رژیم صهیونیستی مستلزم وجود یک دشمن خارجی است و در این راستا دولت‌مردان صهیونیستی با تبلیغات همه‌جانبه خود ایران را به عنوان دشمن خودشان و کشورهای منطقه معرفی می‌کنند. برای تهران ممانعت از اقدامات این رژیم در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی از اهمیت زیادی برخوردار است، اما بدیهی است که مواجهه سیاسی و دیپلماتیک بسیار کم‌هزینه‌تر و مفیدتر است و دیپلمات‌های ایرانی با فعالیت برنامه‌ریزی شده و مداوم در حوزه قفقاز و مرزهای شمالی کشور می‌توانند هم به دنبال اتحاد‌های تازه‌ای باشند که از جولان صهیونیست‌ها در مرزها جلوگیری کند و هم نفوذ دیرینه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران در این منطقه را افزایش دهد. در واقع تل‌آویو با سیاست‌های همکاری‌جویانه و مسالمت‌آمیز با جمهوری آذربایجان، اهداف امنیتی خود بر علیه ایران را محقق می‌سازد و از طرف دیگر دولت آذربایجان در راستای منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی مناسبات خود با رژیم صهیونیستی را دنبال نموده است که این همکاری و هم‌گرایی به زبان ایران و تهدیدی علیه منافع و امنیت ملی آن بوده است.

منابع و مأخذ

فارسی:

- احمدی، حسین (۱۳۹۱)، «ضرورت برخورد عقلایی و توجه به اهرم فشار در روابط ایران با جمهوری آذربایجان»، **خبرگزاری ایسنا**. قابل دسترس در: www.isna.ir/vdcawenu.49yu15kk4html
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۲)، «امنیت جمهوری آذربایجان و ناتو»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، سال دوازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۰۵-۱۴۶.
- ایفریم، عنبر (۱۳۸۷)، «خطوط برجسته تفکر استراتژیک نوین رژیم اسرائیل»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، سال پنجم، شماره ۲، صص ۵۳-۸۰.
- پورحسن، ناصر (۱۳۸۷)، «مولفه‌های فرهنگ استراتژیک رژیم اسرائیل»، **فصلنامه مطالعات فلسطین**، شماره ۱۰، صص ۱۸-۳۰.

- جعفرزاده، امید؛ آذین، احمد و جعفری‌نژاد، مسعود (۱۳۹۷)، «تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آن»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۴، شماره ۴۵، صص ۹۹-۱۲۱.
- ساوه درودی، مصطفی؛ خزایی، هوشنگ و زمانی، سیدمجید (۱۳۹۳)، «بررسی پیامدهای روابط سیاسی رژیم صهیونیستی با کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مجله دانش امنیتی، شماره ۳، صص ۱۴۳-۱۶۳.
- ساژین، ولادیمیر (۲۰۲۱)، «رژیم اسرائیل آذربایجان را مسلح میکند؟ برای چه؟»، خبرگزاری اسپوتنیک، قابل دسترس در: [www.https://spnfa.ir/amo/20210526](https://spnfa.ir/amo/20210526)
- ساجدی، امیر (۱۳۹۰)، «طرح پیرامونی و همکاری آذربایجان و رژیم اسرائیل»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۶، صص ۱۳۳-۱۶۳.
- سعادت قلی پورآذر، علی (۱۳۹۳)، «بررسی نشانگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۱، شماره ۷۸، صص ۱۴۹-۱۷۵.
- شفیعی، عباس؛ پوستین‌چی، زهره و قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و خداوردی، حسن (۱۳۹۹)، «بررسی روابط سیاسی - امنیتی جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، دوره ۳، شماره ۳ (۱۱)، صص ۱۷۹-۱۹۴.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲)، ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۸)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: نشر پاپلی.
- حیدری، جواد (۱۳۸۲)، «بررسی ابعاد نظامی امنیتی و منطقه‌ای در قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۴۷-۱۷۸.
- طاهایی، سیدجواد (۱۳۷۷)، «مطالعه تطبیقی درباره نگرش‌های تاریخی صهیونیسم و انقلاب اسلامی»، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۲، صص ۴۲-۶۰.
- فرانکل، ژوزف (۱۳۷۱)، نظریه معاصر روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران: انتشارات سمت.
- کاظمی، احمد (۱۳۸۴)، ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
- ملکی، محمدرضا (۱۳۷۸)، «عامل منفی رژیم اسرائیل در روابط ایران و روسیه»، فصلنامه مطالعات مرکزی و قفقاز، سال ۸، دوره ۳، شماره ۲۵، صص ۲۹-۴۰.
- رنجبر، منصور (۱۳۸۵)، «مفهوم ملی از دیدگاه‌های گوناگون»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، دوره ۲۰، شماره ۱۰ (۲۲۶)، صص ۱۷۰-۱۷۲.

- نیاکویی، سیدامیر و کرمی‌پور، داوود (۱۳۹۴)، «دیپلماسی انرژی رژیم اسرائیل: مبانی و اهداف منطقه‌ای»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۲، صص ۳۵-۴۸.
- واحدی، الیاس (۱۳۸۲)، برآورد استراتژیک آذربایجان، جلد اول، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.

انگلیسی:

- Abilov, Shamkhal (2009), "The Azarbaijan –Israel Rrelation: A non-Diplomatic but Strategic Partnership", **OAKA**, 4(8): 38-156.
- Bourtman, I. (2006), "Israel and Azerbaijan's Furtive Embrace", **Middle East Qurterly**, 13(3): 47-57.
- Dashefsky, A. (2010), World Jewish Population, North American Jewish Data Bank. Available at: <http://www.org/Reports/WorldJewish-Population-2010.pdf>.
- Griffiths, Martin (2013), **Encyclopedia of International Relations and World Politics**, London: Routledge.
- Khalifa-Zadeh, M. (2013), "Israel-Azerbaijani Alliance and Iran", **Middle East Review of International Affairs**, 17(1): 56-70.
- Shaffer, B. (2013), "Aarbaijan's Cooperation with Israel Goes Beyond Iran Tensions", **The Washington Institute for Near East Policy**, No. 267, April 16. Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/azerbaijans-cooperation-israel-goes-beyond-iran-tensions>
- Shiriyev, Z. (2012), "Azerbaijan–Israel: Firm Alliance 2", Today's Zaman, Aailable at :http://www.todayszaman.com/columnist/zaurshiriyev/azerbaijan-israel-firm-alliance-2_277829.html